

اخبار حوادث

اعدام در ملاعام

قاتل شیطان صفت مرد دشتی

قاتلی که پیش از قتل، مقتول را مورد آزار واذیت قرار داده بود در ملاعام به دار مجازات آویخته شد.حکم قصاص این قاتل که در پرونده خود آدم ربایی و ایراد ضرب و جرح با چاقو را نیز دارد در شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان فارس صادر و پس از تأیید در شعبه هفتم دیوان عالی کشور و صدور مجوز معاون اول قوه قضائیه صبح امروز در ملا عام در شهرستان مرودشت به اجرا در آمد. این قاتل در عمل مجرمانه خود پس از ربودن نوجوان ۱۳ ساله و انتقال وی به کوه‌های اطراف مرودشت طی ۱۵ روز اقدام به آزار واذیت روحی و جسمی مقتول کرده و پس از آن به طرز فجیعی با پرتاب نوجوان ۱۳ ساله از کوه اقدام به قتل وی کرده بود. رئیس کل دادگستری استان فارس در هفته گذشته از بر خورد قاطع و در چارچوب قانون با همه محکومان امنیتی خبر داد و گفت: افرادی که امنیت مردم را خدشه دار نمایند با برخورد قاطعانه دستگاه قضایی مواجه خواهند شد. علی القاصی تأکید کرد: اجرای این احکام در س عبرتی برای مخان نظم و امنیت عمومی خواهد بود و دستگاه قضایی با افرادی که امنیت جامعه را دستمایه اهداف شوم خود قرار می‌دهند برخورد قاطع و جدی خواهد داشت و امنیت عمومی مردم خط قرمز دستگاه قضایی است.



مرگ فجیع زنی در زندان ملایر

زن زندانی به قصد خوردن چای نزدیک سماور شده بود که به یکباره پای او لغزیده و سماور روی او واژگون می شود. این زندانی که حدود ۵۰سال سن دارد چندی پیش به علت حمل حدود چهار کیلو گرم موادمخدر دستگیر و باحکم قاضی روانه زندان شد. معاون سیاسی و اجتماعی فرماندار ملایر بیان کرد: زندانی مصدوم در کمتر از ۲ ساعت به بیمارستان بعثت شهر همدان منتقل و کار درمانی توسط پزشکان بر روی این فرد آغاز شد. کتابی عنوان کرد: گزارش‌های دریافتی حاکی از این است که شدت سوختگی موجب عفونت در قسمت داخلی بدن به ویژه ریه‌های او شده و با وجود تلاش تیم پزشکی این زندانی جان باخت.



ماجرای اسکلت‌های زوج

عاشق در همدان

کارگران آب و فاضلاب همدان در حال حفاری دو اسکلت را در یک تابوت پیدا کردند. که متعلق به ۱۸۰۰ سال پیش بوده و به خانواده سلطنتی اشکانیان باز می گردند تابوت آنان سال پیش در یکی از محله‌های قدیمی شهر همدان پیدا شد، داخل بازار در خیابان «جراحان». کارگران آب و فاضلاب هنگام حفاری در عمق سه متری زمین به این تابوت سنگی رسیدند. یگان حفاظت همدان تعریف کرد: روزی که کارگران به تابوت رسیدند بازار و خیابان‌ها شلوغ شد، برای همین ناچار شدیم بلافاصله پس از خروج تابوت، جای خالی آن را با خاک پر کنیم. زن و مرد که قدمتشان هم‌دوره با اشکانیان تخمین زده شده پس از مطالعه به موزه همدان انتقال داده شدند. حالا به محض ورود به موزه هگمتانه می‌توان این زوج را که در شیشه‌ قاب گرفته شده‌اند، ملاقات کرد. آن‌ها کنار یکدیگر در یک تابوت خفته‌اند و یادآور اسکلت‌های عاشقی هستند که تاکنون در ایران و ایتالیا پیدا شده‌اند. راهنمای موزه داستان این زوج را این‌طور روایت می‌کند: این زن و مرد قدمتی در حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ سال دارند که با اختلاف زمانی مرده‌اند اما در یک تابوت دفن شده‌اند. در واقع با یافتن این تابوت سنگی شاهد دفن خانوادگی و سنتی در دوره اشکانیان هستیم.



بازداشت فروشنده‌گان سوالات

دانشگاهی در مشهد

فرمانده انتظامی خراسان رضوی گفت: زن و مرد جوانی که متهم به افشا و فروش سوالات آزمون پایان نیمسال یکی از دانشگاه‌ها در مشهد بودند، شناسایی و دستگیر شدند. سردار قادر کریمی افزود: کارآگاهان مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس آگاهی خراسان رضوی در پی اعلام شکایت نماینده حقوقی یک دانشگاه در مشهد تحقیقات گسترده خود را آغاز کردند. فرمانده انتظامی وی اظهار داشت: ماموران در این تحقیقات ۲ متهم را که با این مرکز آموزشی در ارتباط بوده‌و دیروز این حکم از سوی قضات دیوان عالی کشور می‌گرفتند، شناسایی و دستگیر کردند.

شناسایی مردشیداد

این ادعاها در حالی بود که ماموران یکی از شاکیان پرونده را به اداره پلیس احضار کرد و زمانیکه مرد جوان در برابر آربن قرار گرفت او را همان خریدار میلیونی مغازه‌اش معرفی کرد. آربن وقتی در برابر مرد مغازه دار قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و گفت که من از ماجرای کلاهبرداری بی اطلاع بودم و در این مدت تسلیم حرف‌های سپیده‌شده‌ام. آربن گفت: روزهای نخست آشنایی با سپیده‌نمی دانستم او زنی متاهل است و بعد از اینکه علاقه‌ام به او زیاد شد و تصمیم به ازدواج گرفتم فهمیدم که او باشوهر دار است ولی سپیده ادعای کرد که در حال جدایی از شوهرش است. وی افزود: بعد از مدتی سپیده برگ چک‌هایی از شوهرش تحویل من می داد و می گفت که پول مهریه اش است و از من می‌خواست با آنها خرید کنم و با فروش وسایل چک را برای او نقد کنم. تازه داماد دامه داد: تعجب کرده‌بودم که چرا چک‌ها را به بانک نمی‌برد و نقد نمی‌کند که ادعا کرد تاریخ چک‌ها برای ماه‌های بعد است و می‌خواهد هر چه زودتر چک‌ها را به پول تبدیل کند که شوهرش نتواند او را در پرداخت مهریه اذیت کند. من که در این مدت از سیامک فقط بدی شنیده‌بودم فکر می‌کردم حرف‌های سپیده‌راست است و به همین خاطر با چک‌ها به مغازه‌های مختلف لوازم خانگی می‌رفتم و پس از خرید آن را در مغازه‌های دیگری حتی به قیمت ارزانتر می‌فروختم.

اعترافات عروس خیانتکار

سپیده که دیگر راهی جز اعتراف نداشت به ماموران گفت: سیامک تنها مرد پولداری بود که کارش بیشتر از من و زندگی اش ارزش داشت و هیچ‌وقت به من که در سن جوانی به اجبار خانواده‌ام ازدواج کرده‌بودم اهمیت نمی‌داد. وی افزود: زندگی ام تباه شده بود و وقتی با آربن آشنا شدم و دیدم او برای من ارزش قائل است تا جاییکه از تهران به شهر من آمده و خانه‌ای برای خودش اجاره کرده است تصمیم به ازدواج با او گرفتم و حتی از سیامک خواستم به زندگی مان پایان دهد و از هم جدا شوم اما حرف گوش نکرد و برای اینکه به زندگی ایده آل خودم برسم تصمیم به این کار گرفتم که وقتی سیامک دستگیر شد بتوانم طلاق غیابی بگیرم. بنا به این گزارش، سیامک با دستور مقام قضایی آزاد شد و تحقیقات در این پرونده پیچیده ادامه دارد.

کلاهبرداری‌های مرد جوانی قرار گرفتند که با چک‌های بلامحل اقدام به خرید از مغازه‌ها کرده‌است. ماموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که در نخستین مرحله در حساب بانکی چک‌ها پول وجود داشته اما پس از مدتی حساب بانکی خالی و چک‌ها برگشت خورده‌است. تجسس‌های پلیسی کلید زده‌شده و کارآگاهان خیلی زود موفق به شناسایی مخفیگاه مرد فریبکار شدند و در عملیاتی غافلگیرانه سیامک را که در خانه‌اش در حال استراحت بود دستگیر کردند. سیامک هر چه اصرار داشت که بیگناه است بی‌فایده بود و همه مدارک و شواهد پلیسی نشان از آن داشت که مرد بساز و بفروش با نقش پرزای و اعتمادسازی طعنه هایش دست به کلاهبرداری زده‌است.

سیامک ادعای کرد که بیگناه است و چک‌هایش متعلق به حساب بانکی ای است که زیاد مورد استفاده او نبوده و حتما چک‌هایش دزدیده شده و این در حالی بود که مرد جوان هیچ اعلام شکایتی نکرده بود.

طلاق غیابی

مرد جوان روانه زندان شد و خیلی تقلا کرد از آزاد شود و ثابت کند که در این ماجرا بیگناه است و برای او سبب سپیده‌اند که از دواج کند سپیده که از تهران به خانه شان برگشته بود یک ماهی سرگرم پیامک‌های آربن شد تا اینکه به بهانه‌هایی خواستار طلاق شد اما سیامک وقتی در برابر پیشنهاد طلاق زنش قرار گرفت شوکه شد و از او خواست به زندگی‌شان ادامه دهد و گفت که برای آینده‌شان برنامه مهاجرت به کشور دیگری دارد.

تنهاسرخ

سیامک وقتی در جریان طلاق همسرش قرار گرفت احتمال داد که نقشه کلاهبرداری از سوی سپیده طراحی شده باشد تا با بازندانی شدنش از او طلاق بگیرد. در این مرحله سیامک از همسرش اعلام شکایت کرد و او را به عنوان دزد چک‌هایش معرفی کرد که در این شاخه از تحقیقات ماموران پی‌برند که سپیده قبل از طلاق غیابی با پسری به نام آربن رفتاری عاشقانه داشته‌است و بعد از طلاق غیابی از شوهرش قصد ازدواج با همان پسر را دارد. با توجه به رموز بودن این سناریو تیم پلیسی اقدام به دستگیری زوج جوان کرد و این در حالی بود که سپیده و آربن خود را در ماجرای کلاهبرداری سیامک بیگناه می‌دانستند.

سپیده ادعا می‌کرد که این مرد، روزهایی که من به فکر درس خواندن بودم به خاطر پولدار بودنش مرا به عقد خودش در آورده و تنها نتوانستم ادامه تحصیل بدهم بلکه از معنی جوانی و خوشگذرانی را نفهمیدم و حالا پس از طلاق نیز تصمیم گرفته زندگی‌ام را خراب کند.



درخواست طلاق

سپیده وقتی دید زندگی در کنار آربن متفاوت است تصمیم گرفت از شوهرش طلاق بگیرد و با جوان مورد علاقه‌اش ازدواج کند سپیده که از تهران به خانه شان برگشته بود یک ماهی سرگرم پیامک‌های آربن شد تا اینکه به بهانه‌هایی خواستار طلاق شد اما سیامک وقتی در برابر پیشنهاد طلاق زنش قرار گرفت شوکه شد و از او خواست به زندگی‌شان ادامه دهد و گفت که برای آینده‌شان برنامه مهاجرت به کشور دیگری دارد.

سیامک مرد ساده و آرامی بود که بیشتر در محل کارش بود و کمتر به مسائل زندگی و خانه‌امیت می‌داد و فکری که در همسرش برای اینکه او را بیشتر در خانه نگه دارد ماجرای طلاق را مطرح کرده‌است.

تغییر سپیده

دنیای زندگی سپیده نسبت به گذشته تغییر کرده بود و آربن وقتی فهمید که زن مورد علاقه‌اش شوهردار است خواست که به دوستی‌شان پایان دهد اما چرب زبانی و مهربانی‌های سپیده او را در همان در جه عشق و علاقه نگه‌داشت.

سپیده وقتی فهمید که آربن تصمیم به ازدواج با او را داشته ادعا کرد که قصد جدایی از همسرش را دارد و از پسر جوان خواست تا مدتی با این شرایط کنار بیاید تا کارهای طلاقش پایان بگیرد.

دستگیری مرد برج‌ساز

چندی قبل ماموران در جریان

مرد در زندان بود که شنید همسرش طلاق گرفته است

دسیسه زن خائن برای مرد برج‌ساز

پیام عاشقانه

۴ سال از زندگی مشترک سپیده گذشت تا اینکه در یکی از گروه‌های تلگرامی با پسر جوانی آشنا شد و دوستی سپیده و آربن ابتدا خیلی ساده و در حد یک پیامک کلید خورد.

با گذر زمان سپیده که احساس تنهایی می‌کرد با دیدن عکس‌ها و فیلم‌هایی که جوان‌ها از خوش گذرانی‌هایشان در فضای مجازی پخش می‌کردند تصمیم گرفت تا مثل آنها به خوش‌گذرانی بپردازد و این در حالی بود که شوهرش که در این سال‌ها از وضعیت مالی خوبی برخوردار بود برای زندگی سپیده چیزی کم نمی‌گذاشت و همسرش را آزاد گذاشته بود.

اولین پلان خیانت

زن جوان در اولین پلان تغییر زندگی اش به آربن پیام داد تا همدیگر را ملاقات کنند.

آربن جوان شیک پوش که در نهران زندگی می‌کرد با وجود دوری شهر سپیده پذیرفت تا سفر کند او از تهران خود را به محل قرار با سپیده رساند و پس از اولین دیدار به سپیده ابراز علاقه کرد و این در حالی بود که زن جوان ماجرای ازدواجش را از پسر جوان پنهان کرده بود.

پیامک بازی و ابراز علاقه آربن ادامه داشت و سپیده به بهانه اینکه باید به تهران رفته و نزد خواهرش چند روزی بماند از شوهرش اجازه گرفت و همراه آربن راهی تهران شد.

سپیده کنجکاو بود تا اینکه فهمید میهمان‌ها برای خواستگاری از او می‌آیند، دختر جوان با شنیدن این حرف شوکه شد و از مادرش خواست تا میهمانی شب را کنسل کند اما حرف او تاثیری نداشت و خانواده پسر جوان زنگ‌خانه را به صدا درآوردند و وارد خانه شدند. سیامک ۲۴ ساله که شغل آزاد داشت همراه خانواده‌اش وارد خانه شد و پس از صحبت‌های ابتدایی تصمیم بر این شد که در صورت رضایت خانواده‌ها مراسم‌های بعدی و جشن عقد را برگزار کنند.

ازدواج اجباری

سپیده نمی‌خواست از دواج کند اما خانواده‌اش رضایت خودشان را برای ازدواج دخترشان اعلام کردند و همین کافی بود تا دختر جوان که علاقه به درس خواندن داشت خود را اسر سفره عقد ببیند.

تنهایی سپیده

سیامک با خطر تشغل آزادی که در کار ساخت و ساز بود مرتب بیرون از خانه و سر کار بود و سپیده بیشتر اوقات تنها می‌ماند و همیشه چشم به در داشت تا شوهرش از محل کارش به خانه بیاید تا کمی سکوت خانه شکسته شود.

زن جوان بیشتر اوقات در خانه بود و بعضی شب‌ها با شوهرش به بیرون از خانه می‌رفت تا اینکه با گوشی موبایلی که همسرش برای او خریده بود پای در دنیای فضای مجازی گذاشت. او دیگر خود را تنها نمی‌دید و در شبکه‌های مجازی مختلف سرش را گرم می‌کرد.

گروه حوادث: زن جوان که تسلیم ازدواج اجباری شده بود وقتی مرد رویاهايش را در فضای مجازی پیدا کرد برای رسیدن به زندگی ایده‌آل نقشه کشی را طراحی کرد. این زن با زندانی شدن شوهرش توانست طلاق غیابی بگیرد.

خنده‌های مادر

سپیده ۱۸ سال داشت و به دنبال درس خواندن و رفتن به دانشگاه بود که یک روز تلفن خانه‌شان به صدا درآمد و مادرش با برداشتن گوشی تلفن به صورت خیلی رسمی شروع به صحبت کرد. مادر سپیده در حالی که با تلفن صحبت می‌کرد نیم‌نگاهی به دخترش که در آشپزخانه ایستاده بود می‌کرد و لبخند ملیحی به دختر جانش می‌زد. سپیده از رفتارهای مادرش متعجب شده و منتظر بود تا صحبت‌های مادرش تمام شود تا بفهمد چه کسی به خانه‌شان زنگ زده که مادرش چنین رفتار عجیبی پیدا کرده‌است. تلفن که تمام شد دختر جوان از مادرش پیگیر شد که با چه کسی صحبت می‌کرد؟ اما جز لبخند مرموز مادرش جوابی نگرفت.

مراسم خواستگاری

چند روز پس از تماس تلفنی مرموز، مادر سپیده وارد اتاق دخترش شد و گفت که شب میهمان دارن، دختر جوان نمی‌دانست چه کسی در خانه‌شان میهمان است اما رفتارها و نگرانی مادر نشان از آن داشت که میهمان‌ها افراد غریبه‌ای هستند و گویا قرار است اتفاقی رخ دهد.

خبر

جوان متجاوز کشته شد

رهایی پسری بدون شناسنامه از مجازات اعدام

نگهبانی آمده بود و می‌خواستیم بخوایم که ابراهیم با من تماس گرفت و خواست تا پیشم بیاید. من هم پذیرفتم. ما با هم صحبت کردیم و سپس تصمیم گرفتیم تا بخوایم اما یکباره متوجه‌نیت شوم پسر عمویم شدم. او می‌خواست مرا آزار بدهد. به همین خاطر با این چاقو بالای سرم ایستاد و مرا تهدید کرد. و این شروع دعوای ما با هم بود. پسر عمویم با چاقو به من حمله کرد که تیغه چاقو به دستم خورد و زخمی شد. او همان موقع یک ضربه به هم با چاقو به پهلویم زد. ضربه‌به حدی شدید بودم که چاقو در پهلویم گیر کرد. من که شوکه شده بودم چاقو را با ترس از پهلوی بیرون کشیدم و دنبال پسر عمویم به سمت حیاط رفتم. او در حال فرار بود که دو ضربه به پشت و پهلوی او زد. مابراهمیم هم با چوب به سمت حمله کرد اما یکباره روی زمین افتاد. من از ترس آنجا را ترک کردم و به خانه دوستم رفتم و سپس به بیمارستان

مانده بود پس از بهبودی به درگیری خونین با پسر عمویم اعتراف کرد و گفت: پسر عمویم را کشتم چون قصد از مراداش.

دادگاه اطفال

متهم نوجوان در حالی که پزشکی قانونی سن وی را هنگام ارتکاب جرم ۱۶ سال اعلام و در گزارشی گفته بود وی در زمان ارتکاب جرم به رشد عقلی نرسیده در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران که ویژه رسیدگی به جرایم اطفال از به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه پسر نوجوان گفت: من شناسنامه ندارم و غیرقانونی همراه پسر عمویم برای کار به ایران آمدم. من به عنوان کارگر در یک مغازه نان فانتزی فروشی کار می‌کردم. شب‌ها هم نگهبان یک ملک تجاری بودم. پسر عمویم هم در یک ساختمان نیمه‌ساز کارگر بود. آن شب از سر کار اتاقک

گروه حوادث: پسر نوجوانی که شناسنامه نداشت و پسر عمویم را در اتاقک نگهبانی یک مجتمع تجاری کشته بود با نظریه کارشناس پزشکی قانونی از قصاص معاف و به پرداخت دیه محکوم شد. دیروز این حکم از سوی قضات دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و قطعی شد.

قتل خونین

نیمه شب شانزدهم مرداد ماه سال ۹۵ به ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار خبر رسید درگیری دو پسر عمو در اتاقک نگهبانی یک مجتمع مسکونی در خیابان ۱۵ خرداد به خون کشیده شده و یکی از آنها کشته شده‌است. پلیس به قربانگه رفت و با جنازه ابراهیم ۲۰ ساله روبه شد. پسر عموی ۱۶ ساله‌وی به نام رضا که زخمی شده بود نیز به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت.

نجات قاتل از مرگ

رضا که پس از عمل جراحی مجزه‌آسازنده